

The Political Economy of Rentrism and Privatization in Iran after the Islamic Revolution

Hadis Moradi*

Seyed Shamseddin Sadeghi**, Masoud Akhavan Kazemi***

Abstract

An important issue on which the political and economic experts and the public have recently focused is the failure of privatization and failure to transfer governmental property to the private sector (the public) and extensive transfer of national property to the sector so-called quasi-government. A review on the privatization process in Iran, after 30 years, indicates that after years of struggling to cut the government's hand in the economics, not only people own no large corporations, but the government is also excluded from running them and a powerful sector, i.e. quasi-government has been formed along with the public and private sectors. Using theoretical-analytic method and according to the theory of "violence and social order" by Douglas North, John Joseph Wallis, and Barry Winga, which is based on the conscious distribution of rent among elites in a restricted order, the present study aims at finding an answer to this question what caused diversion of privatization and transfer of government property that is considered national capital to the quasi-government sector (public non-governmental and military institutions). In this sense, it can be said that in the restricted order, the dominant coalition to control social order and prevent the dissatisfaction of the core members of power have to grant political and economic privileges (rent) to these members. In this context, the transfer of property to sectors that are neither public nor private in Iran is based on this trend.

Keywords: Violence And social Orders, Rent, Privatization, Quasi-Government, Article 44 of the Constitution.

Article Type: Research Article.

Citation: Moradi, Hadis, Sadeghi, Seyed Shamseddin & Akhavan Kazemi, Masoud (2022). The Political Economy of Rentrism and Privatization in Iran after the Islamic Revolution, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 287-319.

* Ph.D Candidate of Political Sociology, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author), Hadis.moradi93@yahoo.com

** Associate Professor of Political Science, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

*** Associate Professor of Political Science, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

International Political Economy Studies, 2022, Vol. 5, Issue 1, pp. 287-319.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب اسلامی

حدیث مرادی*

سید شمس الدین صادقی**، مسعود اخوان کاظمی***

چکیده

موضوع مهمی که در سال‌های اخیر در کشور مورد توجه کارشناسان سیاسی و اقتصادی و همچنین مردم قرار گرفته است موضوع عدم موفقیت خصوصی سازی در کشور و تحقق نیافتن واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی (مردم) و انتقال گسترده اموال ملی به بخش موسوم به شبه دولتی است. نگاهی به روند خصوصی سازی در ایران پس از گذشت سی سال، نشان می‌دهد پس از چند سال کشمکش بر سر کوتاه کردن دست دولت از اقتصاد نه تنها مردم مالکیت شرکت‌های بزرگ اقتصادی کشور را برعهده ندارند؛ بلکه اداره آن‌ها از دست دولت نیز خارج شده و در کنار بخش دولتی و خصوصی، بخش قدرتمندی به نام شبه دولتی شکل گرفته است. در این مقاله سعی گردیده با روش تحلیلی-توصیفی و براساس نظریه «خشونت و نظم‌های اجتماعی» داگلاس نورث، جان جوزف والیس و باری وینگاست که بر مبنای توزیع آگاهانه رانت در میان فرادستان در نظم دسترسی محدود بنا شده است به این سؤال پاسخ دهد که علت انحراف خصوصی سازی و واگذاری اموال دولتی که سرمایه ملی محسوب می‌گردند به بخش شبه دولتی (نهادهای عمومی غیر دولتی و نظامی) به چه علت بوده است. بر این اساس می‌توان گفت در نظم‌های دسترسی محدود ائتلاف غالب برای کنترل نظم اجماعی و جلوگیری از نارضایتی اعضای خود (کنترل خشونت) مجبور به اعطای امتیازات سیاسی و اقتصادی (رانت) به این اعضا هستند. در نظریه نورث و همکارانش رانت به معنای منفی آن مد نظر نبوده و آن‌ها معتقدند در نظم دسترسی محدود، اعطای رانت و کنترل خشونت می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و رشد اقتصادی گردد. بر این اساس در ایران نیز واگذاری اموال به بخش‌هایی که نه دولتی محسوب می‌شوند و نه خصوصی در چارچوب نظم دسترسی محدود رخ داده است.

کلیدواژه‌ها: خشونت و نظم‌های اجتماعی، رانت، خصوصی سازی، شبه دولتی، اصل ۴۴ قانون اساسی.

نوع مقاله: پژوهشی.

* کاندیدای دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه،

ایران. (نویسنده مسؤل)، Hadis.moradi93@yahoo.com

** دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

*** دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره اول، ۲۸۷-۳۱۹.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی دوم نظریات متعددی در خصوص توسعه و راه‌های آن ارائه شد که نظریات مدرنیزاسیون (۱۹۵۰)، وابستگی (۱۹۶۰)، نئوکلاسیک (۱۹۷۰)، نئولیبرالیسم (۱۹۸۰)، نئونهادگرایی (۱۹۸۰) و پسامارکسیسم مهم‌ترین این نظریات بوده‌اند که همچنان نیز طرفداران خود را در میان اندیشمندان حوزه توسعه دارا می‌باشند. می‌توان گفت پس از جنگ جهانی دوم، رویکرد اغلب دولت‌ها، ملی کردن خدمات و توجه به نقش دولت در اقتصاد و مالکیت بر آن بود؛ اما در سال‌های آخر دهه ۶۰ و آغاز دهه ۷۰ میلادی، افت کلی رشد اقتصادی به دلیل مشکلات برآمده از تأثیر دولت در اقتصاد، موجب شد که متفکران به دنبال راه حل خروج از رکود باشند (استار، ۱۹۹۸). در این رابطه، پیتر دراگر نخستین بار در سال ۱۹۶۸ با اشاره به مفهوم اصلی خصوصی‌سازی اذعان کرد که دولت‌ها باید مالکیت خدماتی که برعهده دارند را به بخش خصوصی که صاحبان آن مردم هستند، ارائه کنند. در ادامه دهه ۸۰ میلادی، اجرای موفق سیاست خصوصی‌سازی توسط دولت‌های مختلف موجب شد که این موضوع به رکن اساسی سیاست عمومی همه دولت‌های بعدی درآمده و نقش خود را تثبیت کند. به‌طور مثال، از سال ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، بسیاری از شرکت‌ها و بخش‌های دولتی در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و انگلیس به بخش خصوصی واگذار شدند و سیر پیشرفت اقتصادی روند صعودی به خود گرفت (پارکر، ۲۰۱۲). این تجربیات خصوصی‌سازی را به یکی از عناصر استاندارد برنامه‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول تبدیل کرد و این صندوق بدون توجه به شرایط سیاسی حاکم بر کشورهای در حال توسعه این الگو را به آنان پیشنهاد داد. در ایران خصوصی‌سازی از سال ۱۳۷۰ در دستور کار دولت سازندگی قرار گرفت و به یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست‌های تعدیل اقتصادی بدل شد و با تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی رشد فزاینده‌ای یافت؛ اما اکنون پس از سه دهه از آغاز خصوصی‌سازی در ایران آمار و داده‌ها نشان از عدم تحقق اهداف تعریف‌شده دارند. در این پژوهش سعی می‌گردد بر پایه نظریه «نظم اجتماعی و کنترل خشونت»، نورث (North)، والیس (Wallis) و وینگاست (Weingast) و به‌ویژه با تکیه بر موضوع تقسیم

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۸۹
آگاهانه رانت و با روش تحلیل - توصیفی به بررسی دلایل اصلی عدم تحقق خصوصی‌سازی در ایران پرداخته شود.

بیان مسئله و پرسش پژوهش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکم شدن سیاست‌های انقلابی بر کشور، بحث ملی‌گرایی اقتصادی (مصادره اموال و همچنین ملی اعلام کردن بسیاری از کارخانه‌ها) موجب حرکت به سمت اقتصادی کاملاً دولتی گردید. جنگ نیز این امر را تقویت کرد اما پس از پایان جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت سازندگی در راستای کاهش تصدی‌گری دولت (کاهش هزینه‌ها و پرداخت بدهی‌ها) و همچنین افزایش نقش مردم در اقتصاد، خصوصی‌سازی در کشور آغاز و پس از تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شتاب فزاینده‌ای یافت.

پرسش اصلی مطرح در این پژوهش این است که چرا خصوصی‌سازی واقعی در ایران شکل نگرفت و به‌جای رشد بخش خصوصی واقعی (بخش‌هایی که تعلق مالی - بودجه‌ای و سیاسی) به حکومت ندارند، بخش‌های عمومی غیر دولتی که وابستگی مالی و سیاسی گسترده‌ای دارند رشد کرده و بسیاری از منابع از دولت (قوه مجریه) به دیگر نهادهای وابسته منتقل گردیده است. فرض اصلی آن است که در ایران نظم دسترسی محدود پایه (غلبه سیاست بر اقتصاد) وجود داشته و براساس آن ائتلاف غالب برای اعاده نظم اجتماعی و کنترل خشونت (کنترل جریان‌هایی که ممکن است ائتلاف غالب را ترک کرده و دست به خشونت علیه نظم موجود بزنند) به توزیع آگاهانه رانت در میان اعضاء می‌پردازد و خصوصی‌سازی نیز در همین راستا به‌مثابه رانت توزیع شده است.

مروری بر ادبیات نظری پژوهش

پژوهش حاضر دو حوزه مهم در اقتصادی سیاسی یعنی رانت و خصوصی‌سازی را در خود جای داده است که می‌توان گفت هر یک از این دو حوزه زمینه کاری بسیاری از پژوهش‌ها بوده‌اند. واژه رانت جویی اولین بار توسط آلن کروگر (Krueger) در سال ۱۹۷۴ در مقاله مشهور او بنام «اقتصاد سیاسی جامعه رانت جو» مطرح شد مقاله کروگر توجه

خاصی به کشورهای جهان سوم دارد و برآوردهای کلی کاهش رفاه حاصل از رانت و مجوزهای وارداتی در دو کشور هند و ترکیه را محاسبه نمود؛ اما خود کروگر در مقاله‌اش اشاره می‌کند که نظریه در اصل مربوط به تالوک بوده و در سال ۱۹۶۷ در مقاله وی با نام هزینه‌های رفاهی تعرفه‌ها، انحصارگرایی و اختلاس، بسیاری از مسائل مهم تئوری رانت جویی مطرح می‌شود (Fischer, 2004: 21-25).

تولسن (Tuisen)، بوکانان (Buchanan)، تالوک (Tullok) و ساموئلز (Samuels) رانت جویی را به معنای توصیف فعالیت‌های افراد یا گروهی می‌دانند که به دنبال انتقال ثروت از طریق حمایت دولت هستند. نورث و همکارانش نیز دولت را در نقش توزیع گر رانت قرار می‌دهند. یکی از جنبه‌های مهم نقش دولت در اقتصاد این است که دولت توسط بازیگران مختلف اقتصادی که می‌خواهند دولت به نفع آن‌ها عمل کند مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظریه پردازانی همچون راوکینز (Rowkins)، اسکاچپول (Skocpol)، ببلاوی (Bebawi) و لوسیانی (Luciani) برای بررسی عدم توسعه کشورهای خاورمیانه معمولاً از نظریه «دولت تحصیل دار یا دولت رانتیر» بر پایه استقلال دولت از جامعه مدنی و بی‌نیازی در ایجاد دموکراسی، تبدیل شدن دولت به توزیع کننده رانت، عدم پاسخگویی حکومت به مردم و قدرت انحصاری دولت در استفاده از منابع رانتی استفاده کرده‌اند.

در ایران نیز به‌طور معمول توجه به پدیده رانت بیشتر خود را در قالب نظریه «دولت رانتیر یا تحصیلدار» که معتقد به نقش رانت حاصل از فروش منابع طبیعی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی کشورهاست نشان می‌دهد، حاجی یوسفی و مهدوی از مهم‌ترین نظریه پردازان ایرانی این حوزه هستند؛ اما بررسی نحوه توزیع رانت در داخل کشورها خود منجر به شکل‌گیری نظریه‌های دیگری به‌ویژه بر پایه فساد شده است. لمبسدروف (Lambsdorf) (۲۰۰۵) در کتاب (Institutional Economic of Corruption and Reform) به بحث فساد در داخل کشورها می‌پردازد که بخشی از آن شامل رانت می‌گردد. مارو (Maro)، رز-آکرمن (Rose-Ackerman) و تانزی (Tanzi) از جمله نویسندگانی هستند که رانت را در حوزه فساد (Corruption) بررسی کرده‌اند.

در حوزه نهادگرایی نوین از سال ۲۰۰۶ به بعد با انتشار گزارش ۶۰ صفحه‌ای نورث،

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۱

وینگاست و والیس تحت عنوان «مدلی مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب (ضبط‌شده) بشر» توسط اداره ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا (NBER) نظریه نظم‌های اجتماعی و کنترل خشونت بر پایه سه نظم دسترسی اولیه، محدود و باز به صورت رسمی وارد نظریات سیاسی شد. در این نظریه به رانت و توزیع آن در عرصه داخلی کشورها در راستای حفظ قدرت ائتلاف غالب توجه ویژه‌ای می‌شود و نگاه به رانت از دولت رانتیر و تأکید بر ورود رانت خارج از سیستم به داخل کشور به نحوه استفاده و توزیع رانت پرداخته می‌شود.

در ایران رضا زمانی در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه فرایند توسعه اقتصادی ایران طی یک صد سال اخیر با استفاده از رهیافت نظم اجتماعی نورث، والیس و وینگاست» به خصوصی‌سازی پس از پیروزی انقلاب در قالب نقش نظم اجتماعی که دولت‌ها در آن قرار داشته به صورت خلاصه پرداخته شده است، محور مد نظر در رساله زمانی درباره فرایند توسعه، توازن دوگانه سیاسی و اقتصادی و حفظ تعادل برای حفظ نظم است؛ اما در نوشتار پیش رو تا حد امکان سعی گردیده بر تمایز رانت از نظر نورث و همکارانش و عدم تأکید آن‌ها بر صرف منفی بودن و غیر مولد بودن رانت در نظم دسترسی محدود و همچنین عدم کارایی به کار بردن نهادهای نظم دسترسی باز در نظم دسترسی محدود پرداخته شود.

همچنین زمانی در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا انقلاب (۱۳۵۷)» نیز رهیافت نورث و همکارانش را برای بررسی مقطعی از تحولات سیاسی ایران به کار برده است. محسن رنانی نیز در مقاله‌ای کوتاه با عنوان «نظم شکن در شکن» از این رهیافت برای مطالعه وضعیت سیاسی ایران از زمان مشروطه تا اواخر دولت یازدهم بهره برده است و به خصوصی‌سازی پرداخته.

۱. چارچوب نظری

نظریه خشونت و نظم‌های اجتماعی نورث، والیس و وینگاست درباره نقش تهدید به خشونت در شکل‌گیری نظم اجتماعی است. آن‌ها با این فرض اساسی شروع می‌کنند که هدف اولیه هر نوع نظم اجتماعی مهار خشونت و اعمال زور است. آن‌ها جوامع بشری را به سه گروه تقسیم می‌کنند: ۱- حکومت‌های اولیه ۲- حکومت طبیعی با نظم دسترسی

محدود ۳- حکومت نظم دسترسی باز. حکومت اولیه همان حکومت‌های دوران انسان‌های اولیه و عصر شکار است که چندان به آن پرداخته نمی‌شود، حکومت طبیعی یا نظم دسترسی محدود که دارای سه مرحله شکنده، پایه و بالغ است، نظام دسترسی باز که سازمان‌های قدرتمند و یکپارچه نظامی و پلیس را فرع بر نظام سیاسی ایجاد می‌کند (نورث و همکاران، ۱۳۹۶). نورث و همکارانش از میان سه نظم اجتماعی یعنی اولیه، نظم دسترسی محدود و نظم دسترسی باز به صورت مبسوط به شرح و تفصیل نظم دسترسی محدود و مراحل سه‌گانه آن پرداخته‌اند.

۱-۱. نگاه متفاوت به رانت

رویکرد نورث و همکارانش نسبت به رانت به صورت معناداری با ادبیاتی که روی آفات رانت جویی تأکید می‌کند (بوکانان، تالوک، تویسون و کروگر) و خط‌مشی‌های مستقیماً غیر مولد (DUP) رانت متفاوت است. از چشم‌انداز نظام دسترسی محدود، رویکرد آفت‌آمیز دانستن رانت جویی یعنی تمرکز بر سیاست‌های مستقیماً غیر مولد که خشونت را نادیده می‌گیرد و به صورت ضمنی فرض را بر آن می‌گذارد که ایجاد رانت‌ها ارتباطی با ماهیت زیرین جامعه‌ای که رانت در آن پدیدار می‌شود ندارد. نکته مهم این است در نظام دسترسی محدود اصطلاح رانت به مفهوم رانت‌های غیر مولد نیست بلکه امری است که رفتار افراد را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند.

آنچه نظم دسترسی محدود را تضمین می‌کند بهره‌مندی سازمان‌ها از تداوم رانت‌های ناشی از همکاری است. این نحوه فهم از رانت وجه تمایز چهارچوب نظام دسترسی محدود از دیگر مدل‌هایی است که صرفاً بر حداکثرسازی رانت طبقه حاکم از هر منبع ممکن تمرکز دارند. رویکرد مستقیماً نامولد دانستن رانت‌های ائتلاف مسلط، خشونت را نادیده می‌گیرد نورث و همکارانش به صراحت اعلام می‌کنند حاصل پژوهش‌های آنان نشان می‌دهد نتیجه حذف رانت که غالباً یک اقتصاد بازار رقابتی آن‌گونه که چشم‌انداز سیاست‌های مستقیماً غیر مولد مطرح می‌کنند، نیست بلکه جامعه‌ای دچار هرج و مرج و خشونت است (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۵). در نظام‌های دسترسی محدود (هر سه

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۳

پیوستار) ایجاد رانت تا آنجا که ابزار ایجاد ثبات باشد، نشانه و نه علت معضل برای توسعه محسوب می‌شود. تلاش برای حذف نهادها و سیاست‌هایی که از ایجاد رانت به لحاظ اقتصادی غیر مولد و فساد پستی‌بانی می‌کنند باید به روش‌هایی انجام بگیرد که به وقوع مجدد بی‌ثباتی و خشونت که در یک نظام دسترسی محدود توسعه را از ریل خارج می‌سازد نینجامد (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۶)؛ بنابراین نگاه نظریه خشونت و نظم‌های اجتماعی به رانت به عنوان موضوعی غیر قابل اجتناب در نظم دسترسی محدود است و حذف آن تنها زمینه‌ساز وقوع بحران و بی‌ثباتی خواهد بود. نورث و همکارانش معتقدند چهارچوب مفهومی آن‌ها نشان می‌دهد در جامعه نظم دسترسی محدود آنچه در صورت ریشه‌کن کردن رانت جایگزین واقعیت موجود خواهد شد نه یک اقتصاد مبتنی بر بازار رقابتی، آن‌گونه که دیدگاه مستقیماً نامولد دانستن رانت مطرح می‌کند، بلکه جامعه‌ای گرفتار در بی‌نظمی و خشونت است. در این جوامع رانت جامعه را به جلو حرکت می‌دهد (همان: ۴۹۷).

۱-۲. رانت و توسعه

از نظر نورث و همکارانش مسئله اصلی توسعه ایجاد اصلاحاتی درون چهارچوب نظام دسترسی محدود است. مسئله اول توسعه بر حرکت نظام دسترسی محدود از شکننده به پایه و از پایه به بالغ و از بالغ به شرایط آستانه‌ای ورود است. تلاش برای از قلم انداختن این گام‌ها و به جای آن تمرکز بر گذار از یک نظم دسترسی محدود به یک نظام دسترسی باز بیشتر می‌تواند به شکست منجر شود تا موفقیت. در نهایت از نظر نورث و همکارانش خلق و حفظ سازمان‌هایی بادوام‌تر و مستقل از ائتلاف مسلط، راه توسعه است.

ایجاد رانت و محدودیت‌ها برای رقابت می‌تواند بسته به سطح توسعه یک کشور آثار خوب یا بد بگذارد. برای توسعه‌های میان‌مدت در یک نظام دسترسی محدود، آنچه موضوعیت دارد این است که آیا آن رانت‌ها انگیزه‌هایی برای یادگیری، افزایش بازدهی و انباشت ظرفیت تولید ایجاد می‌کنند یا خیر. در بسیاری از کشورهای نظم دسترسی محدود آثار مثبت رانت افزون بر بازداشتن از خشونت بر تولید را نیز مشاهده می‌کنیم (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۵).

۱-۳. عملکرد متفاوت نهادهای متعلق به نظام دسترسی باز در نظام‌های دسترسی

محدود

در نظریه خشونت و نظم‌های اجتماعی نهادهای متعلق به نظام دسترسی باز در نظام‌های دسترسی محدود عملکردی متفاوت دارند. نظام‌های دسترسی محدود به خصوص از نیمه قرن بیستم به این سو غالباً نهادهایی را از روی نظام‌های دسترسی باز گرفته‌برداری می‌کنند. وام‌دهندگان بین‌المللی به عنوان بخشی از بسته‌های اصلاحی، این کشورها را به چنین کاری ترغیب کرده‌اند اما کار ویژه این نهادها در بافتار نظام دسترسی محدود متفاوت از کار درمی‌آید.

برای مثال بیشتر نظام‌های دسترسی محدود دارای بانک و بسیاری از بازارهای سهام هستند، اما آن‌ها نمی‌توانند به ابزاری برای تجمیع پس‌اندازهای انبوه شهروندان، سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و گشودن فرصت‌های کسب‌وکار به روی تمامی شهروندان تبدیل شوند. بازارهای سرمایه توسعه‌نیافته‌اند و نوعاً وام‌هایشان را به خودی‌ها، فرادستان و دولت می‌دهند حال آنکه از تأمین مالی تازه‌واردان و کارآفرینان جدید سرباز می‌زنند. در نظام‌های دسترسی محدود نهادها روی کاغذ شبیه به نهادهای نظام دسترسی باز به نظر می‌رسند اما در واقع به عنوان بخشی از نظام‌های دسترسی محدود عمل می‌کنند و دسترسی را محدود نگه می‌دارند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۰).

۱-۴. توجه به شرایط متفاوت هر جامعه

نظم دسترسی محدود از عوامل بیرون‌زا و درون‌زا تأثیر می‌پذیرد. وقایع مختلف، تغییرات در فناوری، جهانی‌شدن، خشونت از ناحیه همسایگان و سایر کشورها همگی وقایعی خارج از ظرفیت تبیینی چهارچوب نظام دسترسی محدود به‌شمار می‌روند. نظام‌های دسترسی محدود پایه تفاوت‌های چشم‌گیری با یکدیگر دارند و از دولت نظامیان، دولت تک‌حزبی تا دموکراسی‌های انتخاباتی دوحزبی و چندحزبی در میان آن‌ها دیده می‌شود.

اجماع واشنگتن در دهه ۲۰۰۰ در واقع تحت تأثیر تلاش‌هایی برای جای‌گذاری مستقیم نهادهای نظام‌های دسترسی باز یعنی حقوق مالکیت، ورود به بازارها، خصوصی‌سازی،

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۵

نهادهای حکمرانی خوب و این گونه موارد در نظام‌های دسترسی محدود بود. این اصلاحات چون منطق نظام دسترسی محدود را نادیده می‌گیرند غالباً در ایجاد توسعه شکست می‌خورند و گه گاه شکل خشونت را وخیم‌تر می‌کنند (همان: ۴۹۱-۴۹۲).

۱-۵. چگونگی ارتباط میان شکل دولت، نظم اجتماعی و کنترل خشونت در

نظریه نورث

از نظر نورث همه جوامع با مسئله خشونت مواجه‌اند در هیچ جامعه‌ای حل مشکل خشونت با حذف خشونت میسر نمی‌شود و باید خشونت را مهار یا مدیریت کرد. روش برخورد با خشونت در نهادها و سازمان‌ها حک شده است.

۱-۵-۱. نظم دسترسی باز

در جوامع دسترسی باز (جوامع توسعه یافته)، خشونت از طریق نهادها و حاکمیت برابر قانون محدود می‌شود. نهادها قواعدی وضع می‌کنند که با تغییر پاداش‌های دریافتی، از رفتار خشونت‌آمیز مستقیماً سازمان‌ها و گروه‌ها را از کاربرد خشونت بازمی‌دارند. نهادها همچنین مجازات‌هایی برای اعمال خشونت در نظر می‌گیرند.

۱-۵-۲. نظم دسترسی محدود

در نظم دسترسی محدود فارغ از اینکه دولت در مرحله شکننده، پایه و یا بالغ قرار داشته باشد در آن سه اصل رانت، محدود کردن دسترسی و تلاش برای کاهش خشونت وجود دارد. در چهارچوب نظم دسترسی محدود، سازمان‌ها نیز نقشی قانونی ایفا می‌کنند اما در فقدان حاکمیت کامل قانون، رانت و محدود کردن دسترسی، جایگزین قانون می‌گردد. چهارچوب مفهومی نورث تأکید دارد که جوامع در حال توسعه، خشونت را از طریق دخل و تصرف نظام سیاسی در منافع اقتصادی به منظور خلق رانت مهار می‌کنند. در نظریه نورث و همکارانش در نظم دسترسی محدود با توزیع رانت می‌توان اعتماد متقابل را ایجاد کرد و با شکل دادن به اعتماد متقابل و درگیر کردن منافع، خشونت را کنترل کرد. رانت در نظریه خشونت و نظم اجتماعی آن چیزی است که اعضا معتقدند در شرایط خشونت به آن دست

نخواهند یافت.

اما تفاوت این سه نظم را می‌توان در میزان محدود کردن دسترسی دانست.

۱-۵-۳. نظم دسترسی محدود شکننده

در نظم دسترسی محدود شکننده ائتلاف مسلط به سختی می‌تواند از بقای خود در برابر خشونت داخلی و خارجی حفاظت کند. این جوامع حمایت از سازمان‌هایی که بتوانند در طول زمان دوام بیاورند را دشوار می‌یابند. در این نظام هر جناح از ائتلاف مسلط دسترسی مستقیم به خشونت دارد و ظرفیت اعمال خشونت عامل تعیین‌کننده اصلی در نحوه توزیع رانت و منافع شمرده می‌شود. از نظر نورث و همکارانش در نظم دسترسی محدود شکننده سازمان‌های اقتصادی و سازمان‌های سیاسی به‌روشنی قابل تشخیص نیستند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰).

۱-۵-۴. نظم دسترسی محدود پایه

در دامنه پایه از جوامع دسترسی محدود در مقایسه با نظام‌های دسترسی محدود شکننده، دولت به‌خوبی استقرار یافته است و دولت رسمی (مجموعه‌ای از سازمان‌ها) غالباً مهم‌ترین سازمان قابل دوام به حساب می‌آید اگرچه در چهارچوب ائتلاف مسلط، سازمان‌هایی غیر دولتی نیز اغلب وجود دارند. نظام‌های دسترسی محدود پایه برخلاف نظام‌های دسترسی محدود شکننده، ساختارهای سازمانی کاملاً باثباتی برای دولت ایجاد کرده‌اند. نظام دسترسی محدود پایه از سازمان خارج از مدار خود ائتلاف حمایت نمی‌کند حتی اگر این سازمان‌ها متعلق به نخبگان قدرت باشند. در نظم دسترسی محدود پایه همه سازمان‌های اقتصادی خصوصی یا دولتی با ائتلاف در ارتباط‌اند (همان: ۳۱).

۱-۵-۵. نظم دسترسی محدود بالغ

در گستره بالغ از جوامع دارای نظام دسترسی محدود، ائتلاف مسلط تنوع گسترده‌ای از سازمان‌های خارج و نیز داخل دولت را مورد حمایت قرار می‌دهند اما همچنان این نظام، دسترسی به سازمان‌های خصوصی مورد تأیید و حمایت دولت را محدود می‌سازد. در

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۷

نظام‌های دسترسی محدود بالغ دولت دارای ساختارهای نهادی پایداری است و می‌تواند از طیف گسترده‌ای از سازمان‌های متعلق به نخبگان قدرت که جدای از دولت وجود دارند پشتیبانی کند. در نظام دسترسی محدود بالغ سازمان‌های اقتصادی شامل تعداد فراوانی بنگاه خصوصی و چند بنگاه چندملیتی هستند و ورود به بازار همچنان محدود است (همان: ۳۲). بی‌نظمی و خشونت به صورت معمول زمانی رخ می‌دهد که نخبگان قدرت در یک نظام دسترسی محدود درباره نحوه جابه‌جایی در قدرت‌های نسبی به توافق دست نیابند و چه بسا کارشان به منازعه ختم گردد و برخی از نخبگان قدرت که بر این باورند که نیرومندتر از آن چیزی هستند که دیگران در موردشان می‌اندیشند، خواهان رانت بیشتر بوده و ائتلاف را دچار بی‌نظمی می‌کنند (همان: ۳۶).

۲. نظم‌های اجتماعی در ایران

نورث نظم دسترسی محدود را دخل و تصرف نظام سیاسی در اقتصاد می‌داند بنابراین برای تعیین نظم اجتماعی و تأثیر آن در هر دوره باید به مهم‌ترین مباحث سیاسی نیز اشاره کرد. آن‌ها نظام جوامع توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه را با عنوان نظام دسترسی محدود توصیف می‌کنند و تفاوت این جوامع در قرار گرفتن در سه مرحله شکننده، پایه و بالغ است.

۲-۱. دوران نظم دسترسی شکننده

در بازه زمانی اوایل پیروزی انقلاب اختلافات در حوزه تأسیس حکومت، کشور را به سطوح دولت طبیعی شکننده رساند زیرا ائتلاف شکل گرفته به سختی می‌توانست از بقای خود در برابر خشونت داخلی و خارجی حفاظت کند به گونه‌ای که در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، سیستان و بلوچستان درگیری‌های قومی و تهدیدهایی علیه ائتلاف غالب تجربه شد. وضعیت شکننده نظم اجتماعی از سوی دیگر با شکل‌گیری تحریم‌های آمریکا علیه ایران و تلاش کشورهای غربی برای فشار بر ایران نیز تقویت می‌شد. جنگ و تفاوت دیدگاه درباره جنگ ایران و عراق، رقابت‌های سیاسی و استیضاح رئیس‌جمهور در سال ۶۰ را به همراه داشت. ترور شخصیت‌های سیاسی تشدید شد و دومین رئیس‌جمهور

منتخب نیز ترور گردید اما با این وجود ظرفیت نظم اجتماعی با وجود جنگ خارجی و ترورهای داخلی به سطحی رسید که از توانایی حفاظت از نهادهای سیاسی (قانون اساسی، ریاست جمهوری - مجلس) برخوردار شود. در این دوره ائتلاف غالب به دلایل مهمی از جمله احتمال فروپاشی، امکان حمایت از هیچ سازمان و گروهی غیر از خود را نداشت و بیشترین انرژی آن صرف اجماع و تضاد میان اعضا می‌شد.

پس تعیین نوع نظام سیاسی، تصویب قانون اساسی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی ایران با اولویت بخشیدن به قسمتی از اعضای ائتلاف، اقدام مهمی برای گذر از نظم شکننده بود. افتتاح مجلس اول نیز منجر به شکل‌گیری دومین نهاد سیاسی در ایران شد. در نهایت در سال ۶۰ و با انتخاب سومین رئیس‌جمهور (پس از برکناری و ترور دو رئیس‌جمهور پیشین) سومین نهاد سیاسی در ایران تثبیت گردید و با استقرار دیگر نهادهای نظامی، سیاسی و اقتصادی دوره گذار از وضعیت طبیعی شکننده به پایه‌ای در ایران آغاز شد. در جریان تضادهای سیاسی - اجتماعی اوایل انقلاب میان گروه‌های مختلف که به جنگ‌های داخلی، ترور، اعلام استقلال در برخی استان‌ها منجر شد و کشور در مرحله وضعیت طبیعی شکننده قرار گرفت، اولین سازوکار مدیریت تضادهای اجتماعی که در دستور کار نظام سیاسی قرار گرفت محدود کردن سطح دسترسی به سازمان‌های سیاسی و اقتصادی بود (زمانی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین اولین واکنش در قبال بحران‌های تهدیدکننده و تلاش برای کنترل خشونت، اتخاذ سیاست دسترسی محدود بود.

۲-۲. دوران گذار به نظم دسترسی محدود پایه

در ابتدای دهه ۱۳۶۰ دو اتفاق مهم روی داد: ۱- از یک سو ائتلاف مسلط با خروج دو جریان از ائتلاف یعنی لیبرال‌ها و گروه‌های موسوم به چپ توانست خود را بازیابی کند. از سوی دیگر عبور از سال‌های اول انقلاب امکان تسلط دولت مرکزی بر مناطق مختلف به‌ویژه مناطق مرزی را افزایش داد ۲- نهادهای سیاسی یعنی قانون اساسی، قوای سه‌گانه و انتخابات تثبیت شده بودند؛ بنابراین در این دوره که فرایند گذار از نظم دسترسی محدود شکننده طی شده و نظم دسترسی پایه در حال استقرار بود ائتلاف مسلط امکان حمایت از سازمان‌های

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۲۹۹

مربوط به خود را پیدا کرد. شرایط اقتصادی کشور در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ لزوم مداخله دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را می‌طلبد.

در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ و وجود تفکر بازتوزیعی اقتصادی طبق مقررات مرتبط با ملی‌کردن‌ها، سهم دولت در صنایع از ۳۹ / ۵ به ۷۰ / ۷ درصد سرمایه افزایش یافت. در حالی که سهم بخش خصوصی از ۴۴ / ۶ درصد به ۱۳ / ۴ درصد سقوط کرد و قلمرو تعاونی و صنایع دستی همچنان در ۱۴ درصد ثابت ماند و در واقع بخش خصوصی به صنایع دستی، دادوستدهای کوچک و نیز چند کارخانه کوچک محدود شد (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۲۱-۳۲۲). بنابراین پیش از تثبیت و تحکیم دولت جدید و اقتدار آن، این گروه‌های صاحب منافع جدید بودند که تثبیت و مستقر شدند (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۲۴). در عمل طی دوره‌ای که تثبیت نظام به عنوان مهم‌ترین مؤلفه تصمیم‌گیری، خودنمایی می‌کرد، از یک سو مؤلفه‌های ایدئولوژیک در ساماندهی نظام مدیریتی و اداری کشور نقشی پررنگ داشت و از سوی دیگر ملی‌سازی‌ها در کنار ابهام‌آفرینی در رژیم حقوقی، زمینه‌های توسعه بخش خصوصی را به شدت محدود می‌کرد و روند فرار سرمایه‌ها و نیروی انسانی را تقویت می‌نمود. (گروه کارشناسان معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۳).

۲-۳. دوران ثبات نظم دسترسی محدود پایه

از سال ۱۳۶۸ با اتمام جنگ و بازبینی قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین نهاد سیاسی، ائتلاف غالب وارد مرحله تثبیت نظم دسترسی محدود گردید. دولت و نهادهای مختلف به صورت کامل استقرار یافتند. دولت (حکومت) به عنوان مجموعه‌ای از سازمان‌های قابل دوام و باثبات استقرار یافت. اگرچه در چهارچوب ائتلاف مسلط، سازمان‌هایی غیر دولتی نیز وجود داشتند اما دولت در چهارچوب نظام دسترسی محدود پایه از سازمان خارج از مدار خود ائتلاف حمایت نمی‌کرد. اصل ۴۴ قانون اساسی نیز بسیاری از فعالیت‌ها، صنایع مادر و زیربنایی را در اختیار بخش دولتی قرار داد. خسارات ناشی از جنگ بر زیربنایها و مراکز تولید، دولت را بر آن داشت تا به عنوان متولی نظام اقتصادی عهده‌دار بازسازی خسارات وارده گردیده و همین موضوع نیز عاملی بود تا نقش دولت و گروه‌های وابسته به آن در

اقتصاد پررنگ تر گردد. قرار گرفتن تکنوکرات‌ها در رأس قوه مجریه و سپس ایجاد حزب کارگزاران با اندیشه‌های اقتصادی لیبرالیستی منجر به تغییر دیگری در ائتلاف و ورود گروهی دیگر به این ائتلاف بود. در این دوره یکی از نکات مهم مورد نظر نورث در خصوص نظم دسترسی محدود رخ داد.

نورث و همکارانش در نظریه خشونت و نظم‌های اجتماعی معتقدند نهادهای متعلق به نظام دسترسی باز در نظام‌های دسترسی محدود عملکردی متفاوت دارند و هرچند به‌ظاهر شبیه نظم دسترسی باز طراحی می‌گردند اما عملکرد این نهادها در نهایت در چارچوب نظم دسترسی محدود منجر به نتایجی متفاوت می‌گردد. سیاست تعدیل اقتصادی به‌ویژه خصوصی‌سازی که به‌طور چشم‌گیری توسط کشورهای توسعه‌یافته اجرا شده بود منجر گردید سیاست‌های سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی از قبیل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بر اجرای این سیاست‌ها به‌عنوان یکی از برنامه‌های اساسی اصلاح ساختار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به‌طور جدی پیگیری و اجرا شود.

از سال ۶۸، سیاست‌های اقتصادی دولت از استراتژی بازتوزیع فاصله گرفت و به استراتژی رشد نزدیک شد این استراتژی جدید در ایران سیاست‌های تعدیلی، اصلاحات اقتصادی و آزادسازی اقتصادی نامیده شدند. (حاتمی، ۱۳۸۹ ص ۱۰-۹). مبنای قانونی اتخاذ سیاست خصوصی‌سازی در ایران تبصره سی و دوم قانون برنامه اول توسعه بود. صنعت بانکداری، صنعت بیمه، بخش بهداشت و درمان و بخش آموزش از جمله قانون‌هایی بودند که از پایان جنگ بدین سو رفته‌رفته مشمول سیاست خصوصی‌سازی شدند (مالجو، ۱۳۸۱: ۱۴).

بر مبنای برنامه اول توسعه (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳) مقرر شد ۳۹۷ شرکت که زیرمجموعه وزارت صنایع و سایر وزارتخانه‌ها بودند به بخش خصوصی واگذار شوند. در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۷۳، واگذاری‌ها به سه روش بورس، مزایده و مذاکره صورت گرفت. طی سال‌های ۷۰ تا ۷۵ دولت هاشمی رفسنجانی حدود ۳۳۲ میلیارد تومان از سهام شرکت‌های دولتی را واگذار کرده که نکته قابل تأمل همه این واگذاری‌ها، واگذاری مذاکره‌ای است که

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۱

عملاً اموال دولتی را به بهای توافق شده بین نماینده دولت و خریدار مورد نظر (افراد صاحب نفوذ و سازمان‌ها) واگذار شده است (روزنامه فرهیختگان، ۹۸/۲/۲۶).

نکته مهم در موضوع خصوصی سازی در دوران هاشمی رفسنجانی آن است که هنگامی که خصوصی سازی در ایران آغاز گردید بنا بر آمار، بخش خصوصی مستقل در ایران تنها ۱۳/۴ درصد از اقتصاد ایران را در دست داشت، از سوی دیگر با توجه به آنکه مبنای نظم دسترسی محدود، ایجاد محدودیت برای دسترسی همگانی است و ائتلاف قادر به انجام ریسک و واگذاری سهام به نهادها و گروه‌هایی که امکان ایجاد خشونت و تهدید نظم را داشتند نبود بنابراین در همان آغاز خصوصی سازی در این دوران مبنای آن قرار گرفت تا بسیاری از این شرکت‌ها به مدیرانشان واگذار شوند تا این مدیران بتوانند به عنوان طبقه جدید در بخش خصوصی به وجود آیند (سعیدی، روزنامه سازندگی، ۹۷/۱۰/۱۴).

۲-۴. دوران گذار به نظم دسترسی بالغ

رضا زمانی در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه فرایند توسعه اقتصادی ایران طی یکصد سال اخیر با استفاده از رهیافت نظم اجتماعی نورث، والیس و وینگاست» و زمانی در مقاله‌ای با عنوان «نظم شکن در شکن» که موضوع خشونت و نظم اجتماعی در ایران را بررسی کرده‌اند دولت اصلاحات را براساس ایجاد برخی اصلاحات سیاسی و نیز تقویت جامعه مدنی واجد شرایط گذار از نظم دسترسی پایه به بالغ می‌دانند. در این دوران توسعه هم‌زمان سیاسی و اقتصادی کشور (تعادل دوگانه) امکان رشد بخش خصوصی خارج از ائتلاف را نیز فراهم کرد. در این دوران همچنان ائتلاف در توازن به سر برده و اعضا در قدرتی متعادل به سر می‌بردند. از سوی دیگر به علت کاهش فشارهای خارجی امکان حضور در اقتصاد بین‌الملل فراهم شده و بخش خصوصی غیر وابسته نیز تا حدودی تحت حمایت ائتلاف قرار گرفت؛ اما با توجه به محدودیت عمده خصوصی سازی در این دوره نمی‌توان آن را دارای تأثیرات بزرگ و ماندگار بر تولد بخش خصوصی واقعی و ادامه حیات آن دانست. در مجموع خصوصی سازی در کل واگذاری‌ها در فاصله سال‌های ۷۰ تا ۷۹ بالغ بر ۸۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است که رقم بسیار کمی را نشان می‌دهد.

از اواخر دهه ۱۳۷۰ بخش غیردولتی اجازه یافت به بخش‌هایی همچون بانکداری خصوصی، بیمه‌های خصوصی، خطوط هوایی خصوصی، آموزش خصوصی، راه‌آهن خصوصی و غیره که همگی براساس قانون اساسی در اختیار دولت قرار داشتند راه یابد. این شیوه ورود بخش خصوصی «رشد بخش خصوصی بدون خصوصی سازی» نامیده شد (میدری، ۱۳۸۹). با این وجود دولت‌های هفتم و هشتم با واگذاری سهام به ارزش ۲۴۴۲۳ میلیارد ریال تنها ۸٪ از خصوصی سازی را در ایران اجرایی کرد (میدری، ۱۳۸۹، سازمان خصوصی سازی، ۱۳۸۷).

۲-۵. بازگشت به نظم دسترسی محدود پایه

انتخاب محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور منجر به افزایش اعتماد میان اعضای ائتلاف غالب و جایگزینی روند خصوصی سازی شرکت‌های دولتی به‌جای رشد بخش خصوصی بدون خصوصی سازی گردید. در این دوره ائتلاف حمایت خود را تنها به بخش خصوصی وابسته به خود معطوف کرده و دسترسی همگانی به منابع اقتصادی را باهدف جلوگیری از روند تشکیل یک نهاد تهدیدکننده و درنهایت جلوگیری از بروز خشونت و همچنین حفظ ائتلاف به کار گرفت. خصوصی سازی در ایران از سال ۱۳۸۴ به‌واسطه ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی روندی کاملاً متفاوت به خود گرفت که می‌توان آن را در دو گروه جای داد: ۱- رشد بی‌سابقه واگذاری‌ها ۲- افزایش حضور نهادهای شبه‌دولتی (غیر دولتی عمومی و بخش‌های مالی و تعاونی‌های مسکن نیروهای مسلح) در تملک صنایع واگذارشده.

مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۳ تفسیری کاملاً متفاوت از اصل ۴۴ ارائه داد و درنهایت نیز ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی رهبری در سال ۱۳۸۴ ابلاغ گردید. بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که در سال ۸۵ ابلاغ شد از اصطلاح «بنگاه‌های عمومی غیردولتی» استفاده کرده و آن‌ها را از «بنگاه‌های دولتی» جدا کرده و ردیف بخش‌های خصوصی و تعاونی قرار داده است. در بخشی از این ابلاغیه آمده است: «واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۳

خصوصی شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی؛ بنابراین در تفسیریه اصل ۴۴ قانون اساسی راه برای ورود بنگاه‌های و نهادهای عمومی غیر دولتی در کنار بخش خصوصی باز شده است (ابلاغیه سیاست‌های کلی بند ج اصل چهارم و چهارم قانون اساسی، ۸۵/۴/۱۰).

بر اساس آمارهای موجود شاهد رشد ۲۳۷۴ درصدی در ارزش واگذاری‌ها در دولت نهم نسبت به دولت هشتم و رشد ۳۱۲۰ درصدی این ارزش در دولت دهم (دوره سه ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۰) نسبت به دولت هشتم هستیم. با توجه به اینکه ارزش کل واگذاری‌ها از ابتدای سال ۸۰ تا پایان سال ۹۰ برابر با ۱/۱۴۹/۸۹۴ میلیارد ریال بوده، سهم دولت هشتم از این واگذاری‌ها ۱/۷ درصد و سهم دولت‌های نهم و دهم به ترتیب ۴۲/۷ و ۵۵/۶ درصد بوده است (احمدوند، روزنامه ایران، ۹۱/۶/۲۶)؛ اما نکته مهم در این دوران تأثیر وضع تحریم‌ها بر کشور و آغاز پرونده هسته‌ای بود که عملاً تهدید و خشونت خارجی، ائتلاف غالب را به سمت لزوم اتحاد درونی بیشتر و نیز استفاده از توان اقتصادی اعضا و کنار گذاردن مجدد بخش خصوصی سوق داد. افزایش بی‌سابقه خصوصی‌سازی و واگذاری به بخش‌های موسوم به شبه‌دولتی در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در مهر سال ۸۸ با عنوان «گذر از اقتصاد دولتی به شبه‌دولتی» مورد انتقاد گسترده قرار گرفت و این مرکز نگرانی خود از حذف بخش خصوصی و عدم توان این بخش برای رقابت را بیان کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، مهرماه ۱۳۸۸).

۲-۶. ادامه نظم دسترسی محدود پایه

دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز روند خصوصی‌سازی با محوریت حمایت از بخش خصوصی وابسته به ائتلاف ادامه داد. این دو دولت در دو موقعیت اقدام به تلاش برای تقویت بخش خصوصی غیر وابسته نمود: ۱- در سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ به مدت دو سال با تصویب برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) و رفع تحریم‌های هسته‌ای (کاهش فشار و تهدید بر ائتلاف غالب) ۲- از ابتدای سال ۹۹، به علت عدم کامیابی سازمان خصوصی‌سازی در تحقق اهداف خود با عرضه سهام در بازار سرمایه، محور جدیدی را برای

خصوصی سازی آغاز کرد، با این وجود با خروج آمریکا از برجام و در نهایت بازگشت تحریم های گسترده نفتی و بانکی به کشور و تهدید گسترده اعضای ائتلاف غالب چه از سوی عرصه بین‌المللی و چه بر اثر مشکلات اقتصادی داخلی، هردوی این تلاش‌ها با شکست مواجه گردید. تا پیش از دولت یازدهم در مجموع ۱۰۰ هزار میلیارد تومان طی دوره ۱۲ ساله واگذار شد. براساس آمارهای سازمان خصوصی سازی ایران، طی سال‌های ۹۳ تا ۹۶، ۱۵ هزار و ۴۳۳ میلیارد تومان سهام شرکت‌های دولتی در قالب خصوصی سازی واگذار شده است که ۲۶۰۰ میلیارد تومان آن در قالب رد دیون بوده است. بر این اساس همان شیوه رد دیون دولت‌های قبلی در دولت روحانی نیز تکرار شده است (سازمان خصوصی سازی، ۱۳۹۷).

گزارش عملکرد سازمان خصوصی سازی در سال ۱۳۹۴ ماهیت اصلی خریداران سهام های واگذار شده خصوصی سازی در ایران را مشخص می‌کند. رئیس وقت سازمان خصوصی سازی از جمله ایرادات وارد بر عملکرد خصوصی سازی در کشور را ماهیت خریداران سهام واگذار شده و سهم پایین بخش خصوصی واقعی عنوان می‌کند. این سهم از سال ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۹۴، تنها ۱۸ درصد بوده است در حالی که سهم نهادهای نظامی، نهادهای عمومی غیردولتی و نهادهای انقلابی از کل واگذاری‌ها در دوره ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۹۴، ۴۶٪ اعلام شده است. (سازمان خصوصی سازی، ۱۳۹۵: ۲۲)؛ بنابراین آن گونه که مؤمنی و حاجی‌نوروزی می‌نویسند حاکمیت ضعیف قانون، محدود کردن ورود غیر فرادستان به قالب‌های سازمانی با اعطای رانت، امتیازات و مجوزها به خودی‌ها، تأثیر ائتلاف غالب بر بازارها، حمایت از حقوق مالکیت فرادستان و عدم امنیت حقوق غیر فرادستان، دست‌کاری قیمت‌ها و مخدوش کردن فضای رقابت به نفع گروهی خاص، درجه بالای انحصار در اقتصاد و ... از جمله مواردی است که در ساختار سیاسی - اقتصادی دولت‌ها در ایران همواره دیده شده است.

فرایند خصوصی سازی در حالی در کشور شتاب گرفت که فساد در کشور دارای سطوح گسترده‌ای بود شاخص ادراک فساد که درجه فساد موجود در میان مقامات اداری و

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۵
سیاستمداران را نشان می دهد، همواره نمره ایران را بد ارزیابی کرده است (مؤمنی و حاجی نوروزی، ۱۳۹۶).

نتیجه نهایی خصوصی سازی در ایران را می توان با بررسی ۵ شرکت اول از لیست ۱۰۰ شرکت برتر سال که سازمان مدیریت دولتی آن را منتشر می کند دریافت جدول ۱ (سال های مالی ۹۴ تا ۹۷ بررسی گردیده اند):

جدول ۱. (www.imi.ir)

رتبه	سال ۹۴	سهام دار عمده	نوع مالکیت
۱	بانک ملی ایران	بانک ملی	دولتی
۲	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۳	بانک ملت	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۴	شرکت سرمایه گذاری غدیر	تأمین اجتماعی نیروهای مسلح	شبه دولتی
۵	شرکت ایران خودرو	ایدررو وزارت صنعت	دولتی
رتبه	سال ۹۵	سهام دار عمده	نوع مالکیت
۱	بانک ملت	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۲	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۳	شرکت ایران خودرو	ایدررو وزارت صنعت	دولتی
۴	بانک پارسیان	ستاد اجرایی فرمان امام	شبه دولتی
۵	شرکت پالایش نفت اصفهان		
رتبه	سال ۹۶	سهام دار عمده	نوع مالکیت
۱	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۲	بانک پارسیان	ستاد اجرایی فرمان امام	شبه دولتی
۳	شرکت پالایش نفت اصفهان		
۴	شرکت سایپا	وزارت صنعت، صنایع و بازرگانی فولاد (وزارت کار)	دولتی
۵	بانک صادرات		
رتبه	سال ۹۷	سهام دار عمده	نوع مالکیت
۱	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۲	شرکت پالایش نفت اصفهان		
۳	شرکت پالایش نفت بندرعباس	سهام عدالت - ستاد اجرایی فرمان امام	شبه دولتی
۴	بانک ملت	سهام عدالت - دولت	شبه دولتی
۵	شرکت فولاد مبارکه	سهام عدالت - ایمیدرو	شبه دولتی

می‌توان جریان‌های عمده بهره‌مند از رانت‌های عرضه‌شده در کشور به‌ویژه خصوصی‌سازی را براساس بررسی لیست صد شرکت برتر اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۶ (به صورت ویژه) بررسی کرد. وضعیت مالکیت صد شرکت برتر اقتصاد ایران در رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی در سال ۹۶ نتیجه جالب توجهی دارد. گزارش سال ۹۷ سازمان مدیریت صنعتی نشان می‌دهد از بین ۵۰۰ شرکت برتر ایران (ازلحاظ درآمدی، فروش و دارایی) در گروه ۱۰۰ شرکت برتر اول، ۲۸ شرکت خصوصی، ۶۰ شرکت خصولتی و ۱۲ شرکت دولتی است. در گروه ۱۰۰ شرکت برتر دوم، ۴۷ شرکت خصوصی، ۳۱ شرکت خصولتی و ۲۲ شرکت دولتی است.

در گروه ۱۰۰ شرکت برتر سوم، ۵۲ شرکت خصوصی، ۳۲ شرکت خصولتی و ۱۶ شرکت دولتی است. در گروه ۱۰۰ شرکت برتر چهارم، ۵۵ شرکت خصوصی، ۳۳ شرکت خصولتی و ۱۲ شرکت دولتی است. همچنین در گروه ۱۰۰ شرکت پنجم ۴۹ شرکت خصوصی، ۳۹ خصولتی و ۱۲ شرکت نیز دولتی هستند. به بیان ساده‌تر، بعد از دو دهه خصوصی‌سازی در ایران، غالب شرکت‌های برتر ایران از لحاظ درآمد و فروش، در مالکیت بخش خصولتی و دولتی هستند. (روزنامه فرهیختگان، ۱۳۹۸)؛ بنابراین الگوی فعلی مالکیت صنایع و شرکت‌های مختلف در ایران را براساس سهامداران عمده می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:

۱- هلدینگ‌های بزرگ وابسته به دولت ۲- نهادهای انقلابی و عمومی غیر دولتی ۳- بنیادهای تعاون (نهادهای مالی) نیروهای مسلح و ۴- بخش خصوصی

۳. اعطای رانت و حفظ نظم اجتماعی در ایران

براساس نظریه نورث و همکارانش در خصوص مقوله رانت و همچنین حفظ نظم اجتماعی باید به سه موضوع اشاره کرد:

۳-۱. عملکرد متفاوت نهادها

نورث و همکارانش نظم دسترسی محدود را موضوع تکامل نهادها می‌دانند. از نظر آن‌ها نهادهای متعلق به نظام دسترسی باز در نظام‌های دسترسی محدود کارایی نداشته و همچنان

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۷

با محوریت محدود کردن دسترسی اجرایی خواهند شد؛ بنابراین خصوصی‌سازی از جمله موارد رشد اقتصادی است که در کشورهای دسترسی باز که در آن‌ها حاکمیت قانون، مالکیت خصوصی و رقابت برای کسب و کار در قالب نهادهای مستقر تضمین می‌گردد، زمینه‌ساز رشد بخش خصوصی مستقل خواهد شد؛ اما در ایران به‌عنوان کشوری که براساس نظم دسترسی محدود همچنان حاکمیت قانون (حاکمیت قانون بر ائتلاف غالب، قانونی شدن امتیازات فرادستان و همچنین دیگر موارد مد نظر در نظریه نورث) تحقق نیافته است قطع به یقین خصوصی‌سازی تنها براساس نظم دسترسی محدود عمل کرده و منجر به تقویت بخش خصوصی وابسته به ائتلاف خواهد شد.

۱- مالکیت خصوصی: جایگاه ایران در شاخص مالکیت خصوصی را می‌توان براساس (شاخص حقوق مالکیت IPRI) بررسی کرد. حفاظت از حقوق مالکیت شامل تسهیل قراردادهای خصوصی و محدود کردن اجبار، تهدید و سلب مالکیت توسط دولت است. دولت‌ها به شیوه‌های متعدد می‌توانند حقوق مالکیت و قراردادهای اتباع و شهروندان خود را نقض کنند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سلب مالکیت مستقیم دارایی‌ها، نکول (عدم پرداخت) بدهی مردم، کاهش ارزش پول، ممنوع کردن هرگونه معامله غیر از معاملاتی که به صورت رسمی به قیمت‌های تثبیت‌شده انجام می‌گیرد و قصور در ارائه زیرساخت‌های قانونی که بی‌طرفانه قراردادهای اجرا کرده و مشاجرات مربوط به حقوق مالکیت را فیصله بخشد (رنانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵).

گزارش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت هر ساله توسط اتحادیه حقوق مالکیت تهیه و منتشر می‌گردد. شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت (IPRI) براساس سه زیر شاخص که عبارت‌اند: محیط حقوقی و سیاسی، مالکیت فیزیکی و مالکیت فکری به بررسی وضعیت حقوق مالکیت کشورها می‌پردازد و مواردی مانند استقلال قضایی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کنترل فساد، ثبت اموال و دسترسی به وام را مورد بررسی قرار می‌دهد. این شاخص تنها شاخص در جهان است که به اندازه‌گیری حقوق مالکیت فکری و فیزیکی می‌پردازد (International Prevention Research Institute). هرچند این شاخص بین‌المللی از سال ۲۰۰۷ کار خود را آغاز کرد اما آمار مرتبط با ایران از سال ۲۰۱۱ منتشر گردید. در زیر

رتبه ایران از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ مشاهده می‌شود (جدول ۲):

جدول ۲.

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
رتبه ایران	۱۰۴	۱۰۷	۱۱۱	ایران حذف شده است	۹۹	۹۹	۹۱	۹۱	۱۰۳
تعداد کشورها	۱۲۲	۱۲۳	۱۳۱	---	۱۲۱	۱۲۴	۱۲۷	۱۲۵	۱۲۹

۲- حاکمیت قانون: پروژه جهانی عدالت (World Justice Project, wjp)، سازمان چندرشته‌ای مستقلی است که به منظور پیش‌برد حاکمیت قانون در سراسر دنیا تشکیل شده است. حاکمیت قانون بنیان‌های اساسی یکسانی را برای جوامع فراهم می‌کند. این پروژه براساس ابعاد زیر حاکمیت قانون را بررسی می‌کند: ۱. محدودیت بر قدرت دولت (براساس ابزارهایی مانند میزان قدرت نهادهای حکومتی و مقامات و نمایندگان و همچنین میزان محدودیت‌های اعمال‌شده برای آنان و نیز پاسخگویی نهادهای حکومتی به مردم را بررسی می‌کند) ۲. فقدان فساد اداری (فاکتور دوم میزان فساد در دولت یا فقدان آن را تعیین می‌کند. این عامل سه نوع فساد را بررسی می‌کند: ۱. رشوه‌خواری؛ ۲. نفوذ نابه‌جا در منافع خصوصی و عمومی؛ ۳. میزان اختلاس از منابع عمومی یا سایر منابع. در این فاکتور اشکال فساد در نیروهای مسلح (ارتش و پلیس)، قوه مجریه، قوه قضاییه و مجلس بررسی شده است. اعلام شده است که مواردی همچون عدم استفاده مقامات دولتی، قضایی و قانون‌گذار و نیروهای مسلح از حوزه دولتی و کاری خود برای سود شخصی مد نظر است) ۳- دولت باز، باز بودن دولت و انتشار قوانین و تمام قراردادهای دولتی را اندازه‌گیری می‌کند یعنی تا چه میزان دولت اطلاعات را به اشتراک می‌گذارد (حق دسترسی عمومی به اطلاعات و شفافیت اطلاعات) ۴- حقوق بنیادی ۵- نظم و امنیت ۶- اجرای قانون ۷- عدالت مدنی ۸- عدالت کیفری (World Justice Project Rule of Law Index). در سایت این سازمان رتبه ایران از سال ۲۰۱۵ قرار داده شده است:

جدول ۳.

سال	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
رتبه ایران	۸۸	۸۶	۸۰	۱۰۴	۱۰۹
تعداد کشورها	۱۰۲	۱۱۳	۱۱۳	۱۲۶	۱۲۸

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۰۹

می‌توان گفت بسیاری از ملاک‌های مد نظر، برای تحقق کامل اهدافی که برای نهادها و همچنین برنامه‌های مختلف مانند خصوصی‌سازی تعیین می‌شوند تنها در یک نظم دسترسی باز به نتیجه خواهد رسید؛ بنابراین خصوصی‌سازی در سایه حاکمیت قانون و تحقق شاخص‌های مالکیت خصوصی که از ویژگی‌های نظم دسترسی باز هستند، تحقق خواهد یافت، در حالی که براساس نظریه نورث، حاکمیت قانون و مالکیت خصوصی، جزء شاخص‌ها و ویژگی‌های نظم دسترسی محدود نیستند، بر این اساس نمی‌توان انتظار داشت نهاد‌های طراحی شده برای یک نظم دسترسی باز همان نتیجه را در نظم دسترسی محدود تکرار نمایند. خصوصی‌سازی به‌عنوان یک برنامه راهبردی اجرا شده در نظم دسترسی باز هنگامی که در یک نظم دسترسی محدود قرار گیرد، براساس اصول همین نظم یعنی امکان حمایت اعضای ائتلاف از بخش خصوصی وابسته به خود اجرایی خواهد شد و منتج به تسلط بخش خصوصی مستقل نخواهد گردید.

۲-۳. رانت و توسعه در ایران

در نظریه خشونت و نظم اجتماعی نگاه به رانت نگاه صرفاً منفی، غیر مولد و ضد توسعه‌ای نیست؛ بنابراین در نظام دسترسی محدود، اصطلاح رانت به مفهوم رانت‌های غیر مولد نیست بلکه امری است که رفتار سازمان‌ها را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند و اصولاً امری ضد توسعه محسوب نمی‌گردد. از نظر نورث و همکارانش ایجاد رانت و محدودیت‌ها برای رقابت می‌تواند بسته به سطح توسعه یک کشور آثار خوب یا بد بگذارد. برای توسعه‌های میان مدت در یک نظام دسترسی محدود، آنچه موضوعیت دارد این است که آیا رانت‌ها انگیزه‌هایی برای افزایش بازدهی و انباشت ظرفیت تولید ایجاد می‌کنند یا خیر. در بسیاری از کشورهای نظم دسترسی محدود، آثار مثبت رانت افزون بر بازداشتن از خشونت بر تولید را نیز مشاهده می‌کنیم (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۵). همچنین نورث و همکارانش معتقدند چهارچوب مفهومی آن‌ها نشان می‌دهد در جامعه نظم دسترسی محدود آنچه در صورت ریشه‌کن کردن رانت جایگزین واقعیت موجود خواهد شد نه یک اقتصاد مبتنی بر بازار رقابتی (آن‌گونه که دیدگاه مستقیماً نامولد دانستن رانت مطرح می‌کند) بلکه جامعه‌ای

گرفتار در بی‌نظمی و خشونت است.

در کره جنوبی استراتژی توسعه صنعتی در چارچوب نظم اجتماعی دسترسی محدود بود به گونه‌ای که غالب رانت‌های اقتصادی به طرفداران حکومت داده می‌شد، تخصیص وام با نرخ‌های بهره پایین، ممانعت از ورود شرکت‌های جدید به صنایع انحصاری، تخصیص اعتبارات ارزان‌قیمت به شرکت‌های حامی ائتلاف غالب در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ مانند صنایع سنگین و صنایع پتروشیمی بود. در نتیجه امر چابول‌ها (همان شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر انتفاعی مانند سامسونگ) با حمایت ائتلاف غالب در کره جنوبی ایجاد و رشد کردند، وام‌های سنگین بانک‌ها به چابول‌ها اعطا می‌شد و چابول‌ها از راه ارتباط با دولت ضمن شکل‌گیری توسعه اقتصادی، زمینه‌های مشروعیت دولت را فراهم می‌کردند، اما با رشد جامعه مدنی و تقویت حاکمیت قانون، قدرت انحصاری چابول‌ها کاهش یافت و از سال ۱۹۹۷ اصلاح نظام مالی چابول‌ها در دستور کار بود، به گونه‌ای که این شرکت‌ها به جای رانت‌های دسترسی محدود، به سمت رانت‌های نوآوری و خلاقیت حرکت کرده‌اند (زمانی، ۱۳۹۸: ۸۴-۸۵).

بر اساس نظریه نورث در ایران نیز اختصاص قسمت عمده‌ای از سهام شرکت‌های دولتی به بخش‌های وابسته به ائتلاف غالب می‌تواند زمینه‌ساز انباشت سرمایه و تولید گردد. در مقطع نظم دسترسی محدود با توجه به آنکه شرکت‌های خصوصی قدرتمند مستقل از ائتلاف، شکل نگرفته و در صورت وجود نیز حمایت نخواهند شد، اختصاص رانت به مجموعه ۱- هلدینگ‌های بزرگ وابسته به دولت؛ ۲- نهادهای انقلابی و عمومی غیر دولتی؛ ۳- بنیادهای تعاون (نهادهای مالی) نیروهای مسلح که بیشترین سهم از خصوصی‌سازی در ایران را داشته‌اند (در ایران براساس آمار سازمان مدیریت صنعتی در میان صد شرکت برتر در سال مالی ۹۶، از ۱۰۰ شرکت برتر ۶۰ شرکت شبه دولتی بوده‌اند اما نکته اساسی آن است که بیشتر شرکت‌های شبه دولتی در پروژه‌های نفتی، بانکی، پتروشیمی، خودروسازی و در مجموع زیرساختی حضور یافته و این نهادها در شرایط تحریم کشور روند رشد این بخش‌ها را برعهده داشته‌اند) می‌تواند زمینه‌ساز انباشت سرمایه در این شرکت‌ها باشد؛ اما اختصاص رانت باید دو شرط را داشته باشد اول آنکه رانت از حالت انحصاری و بدون قید

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۱

زمان و همچنین بدون توجه به سطح عملکرد باید به سمت رانت‌های محدود به قید زمان و متناسب با سطح عملکرد تغییر کند، ادامه اختصاص رانت به صورت نامحدود و دائمی، برای ورود به بازارهای رقابتی و رشد اقتصادی بلندمدت مشکل‌ساز می‌شوند.

از سوی دیگر می‌توان گفت در ایران ادامه روند انحصارگرایی بدون توجه به عملکرد بخش‌های خصوصی وابسته و حتی محدودتر کردن دامنه دسترسی می‌تواند از یک سو منجر به قدرت گرفتن برخی از اعضای ائتلاف و برهم خوردن تعادل و از سوی دیگر امکان بازگشت به نظم دسترسی محدود شکننده شود. وضعیت ایران در پس از انقلاب اسلامی، امکان شکل‌گیری بخش خصوصی وابسته به ائتلاف را تسهیل کرده است اما تعداد زیادی از این شرکت‌ها امکان فعالیت بدون رانت‌های انحصاری مانند وام و تسهیلات را ندارند و همین امر زمینه انباشت سرمایه را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد حال آنکه اختصاص قید عملکرد، می‌تواند رفته‌رفته شرکت‌های زیان‌ده را از چرخه دریافت رانت خارج کند.

در وضعیت کنونی ایران، رانت دو شرایط را شکل خواهد داد: اگر رانت‌ها به لحاظ اقتصادی مولد و دارای سه ویژگی شوند: ۱- همیشگی نباشند؛ ۲- پیوندهایی با عملکرد مؤسسه‌ای که آن‌ها را دریافت کرده‌اند داشته باشند و ۳- محدود به عملکرد شوند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۵)، شاهد انباشت سرمایه در شرکت‌های شبه‌دولتی و مولد شدن آن‌ها خواهیم بود. رقابت اعضای ائتلاف برای دریافت رانت (با قید عملکرد) خود زمینه‌ساز هدایت کشور به سمت گام اساسی در رسیدن به نظم دسترسی بالغ یعنی ایجاد رقابت میان اعضای ائتلاف برای دریافت رانت و خروج از دریافت انحصاری رانت خواهد بود؛ اما اگر شیوه اختصاص انحصاری رانت بدون توجه به مولد بودن و نوع عملکرد دریافت‌کنندگان ادامه یابد از یک سو برخی از اعضای ائتلاف با توجه به قدرت خود خواهان دریافت رانت بیشتری شده و همین امر ممکن است تهدیدی علیه ائتلاف گردد و از سوی دیگر امکان توسعه و رشد کشور در بلندمدت با محدودیت مواجه خواهد شد.

دیوید دالر معتقد است باید رقابت میان خود اعضای ائتلاف غالب حکم‌فرما گردد و اعضای ائتلاف برای به دست آوردن رانت با یکدیگر رقابت کنند. او مهم‌ترین راه برای

کاهش میزان رانت را حرکت از نظم دسترسی محدود پایه به نظم دسترسی بالغ می‌داند و این امر در ابتدا از طریق تغییر کارکرد قانونی برای نخبگان و در مرحله اول ایجاد رقابت میان آن‌ها و سپس میان تمام بخش‌های جامعه امکان‌پذیر است. این امر زمانی رخ می‌دهد که نخبگان عضو ائتلاف به این امر معتقد باشند رقابت میان آن‌ها منافع پیشین آن‌ها را تهدید نمی‌کند. نظم دسترسی محدود شکننده باید بر ایجاد امکاناتی به منظور حرکت به سمت نظم دسترسی محدود پایه، نظیر ایجاد خدمات و بنگاه‌های دولتی تخصصی‌تر تمرکز کند. نظم‌های دسترسی محدود پایه باید بر ایجاد شرایط تمرکز کنند که قادر به پرورش و حفظ سازمان‌های خصوصی هستند. در نهایت نظم‌های دسترسی محدود بالغ باید تمرکز خود را معطوف به فراهم کردن شرایط آستانه‌ای یعنی برقراری حاکمیت قانون برای فرادستان، ایجاد سازمان‌های دائمی که معطوف به اشخاص مؤسس نباشند و در نهایت کنترل نهادهای مستعد خشونت کند (دالر، ۲۰۰۵).

۳-۳. شرایط اجتماعی و خاص هر جامعه مبنای توزیع رانت و جلوگیری از

خشونت

نورث و همکارانش همچنین بر عوامل درون‌زا و برون‌زا در روند نظم دسترسی محدود تأکید دارند. با شروع جنگ و حمله ناگهانی عراق، مراکز صنعتی، انرژی و تجاری در اقصی نقاط کشور به ویژه جنوب غربی ایران به شدت آسیب دید و یا در معرض آسیب و تهدید قرار گرفت. در این دوره با وجود قیمت بالای نفت در بازارهای جهانی، درآمدهای نفتی ج.ا. به دلیل کاهش صادرات نفت و تحریم خرید نفت ایران توسط غرب، تنزل یافته بود (رئوفی، ۱۳۸۷: ۳۵) همچنین شکل‌گیری تحریم‌های تجاری و مالی علیه ایران را می‌توان یکی از دلایل مهم شرایط اقتصادی کشور دانست. تحریم‌هایی که از همان زمان پیروزی انقلاب به فراخور زمان‌های مختلف، اجرایی شده‌اند. با تحریم‌های مالی در واقع جریان بدهی و دارایی سرمایه‌ای ایران تحت تأثیر قرار گرفت. ایران عمدتاً برای توسعه پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری در بخش نفت به استقراض نیازمند است. از جمله مهم‌ترین ابزار در اختیار آمریکا برای تحریم مالی ایران محروم نمودن آن‌ها برای تأمین مالی از طریق بانک

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۳

صادرات-واردات، اعتبارات صادراتی، ضمانت‌نامه، وام و بیمه می‌توان نام برد (یاوری، ص ۳۵).

بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران، با پدیده‌ی محدودیت دسترسی به سرمایه، تکنولوژی و نیروی ماهر در اقتصاد سیاسی خود مواجه شده و از دیگر سو ضرورت بازسازی اقتصاد کشور و خنثی‌سازی فشارهای ساختاری غرب اجتناب‌ناپذیر است. شرایطی بین‌المللی یادشده و در تنگنا قرار گرفتن اقتصاد ملی زمینه‌شکل‌گیری نوع جدیدی از روابط اقتصادی-اجتماعی در اقتصاد سیاسی ایران از جمله به کارگیری ظرفیت بخش‌های نوین نظیر نظامیان برای پر کردن خلأ سرمایه، دانش و تکنولوژی لازم جهت بازسازی و پیش برد برنامه‌های اقتصادی کشور را فراهم نمود.

واقعیت آن است که جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به تدریج هم بنا به دلایل ایدئولوژیک و هم به خاطر شرایط تحمیل شده در روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی و در نهایت به دلیل تقابل‌های شکل گرفته با ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون اصلی نظام سرمایه‌داری، به تدریج در تقابل با نظام جهانی و اقتصاد بین‌الملل قرار گرفت. با اینکه دوران ۱۶ ساله اول شرایط اقتصاد سیاسی ایران مسیر ورود نظامیان به اقتصاد را هموار ساخت و از آن‌ها در حوزه‌های بازسازی سازندگی بهره‌برداری کرد اما شرایط اقتصادی و نوع تحریم‌ها، همچنان امکان تقویت بخش خصوصی غیر وابسته را هرچند به صورت محدود فراهم می‌کرد، اما از سال ۱۳۸۴ به بعد شرایط حاد بین‌المللی در نتیجه تغییر روند سیاست خارجی و تغییر مسیر سیاست‌های اقتصادی در داخل، یک بازگشت از خط توسعه را شکل داد و گسترش تحریم‌ها و منجر به افزایش روند حضور نظامیان و همچنین نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد بود (وهابی، ۱۳۹۴). افزایش شدید تحریم‌ها (نفتی و بانکی) به ویژه پس از خروج آمریکا از برجام، همچنان دولت را نیازمند حضور بخش‌های اقتصادی وابسته به ائتلاف کرده است.

۳-۴. رانت و کنترل خشونت

نوع خشونت با توجه به نوع نظم دسترسی محدود، متفاوت خواهد بود و هر چه جامعه از

نظم دسترسی شکننده به نظم دسترسی بالغ حرکت کند از میزان خشونت کاسته خواهد شد. در نظم دسترسی شکننده خشونت معطوف به جنگ داخلی و خارجی و تهدید مستقیم ائتلاف غالب است مانند آنچه ایران در اوایل انقلاب تجربه کرده است؛ اما در نظم دسترسی محدود پایه مانند شرایط فعلی ایران خشونت به اشکال مختلفی بروز خواهد کرد و می‌تواند به شکل غیر مستقیم قدرت ائتلاف را به چالش بکشد.

در نظم دسترسی محدود پایه مانند وضعیت فعلی ایران، قرار دادن محدودیت در دسترسی اقتصادی و عدم امکان حمایت از بخش خصوصی مستقل به دلیل نگرانی اعضای ائتلاف از شکل‌گیری جریانی قدرتمند و غیر وابسته و همچنین تهدید نظم موجود و ایجاد خشونت از سوی این جریان مالی رخ می‌دهد همچنین فراهم آوردن امکان دستیابی شرکت‌ها و مراکز وابسته به ائتلاف به منابع مالی جهت درگیر کردن این اعضا در سود و منافع مشترک، ایجاد اعتماد میان آن‌ها و در نهایت پیش‌بینی پذیر کردن رفتار اعضای ائتلاف صورت می‌گیرد. بر این اساس تلاش برای حذف نهادها و سیاست‌هایی که از ایجاد رانت به لحاظ اقتصادی غیر خلاق و انحصاری پشتیبانی می‌کنند باید به‌روشنایی انجام بگیرد که به وقوع مجدد بی‌ثباتی و خشونت که در یک نظام دسترسی محدود توسعه را از ریل خارج می‌سازد منجر نشود؛ بنابراین سخن گفتن از حذف یک‌باره رانت به نهادهای وابسته به اعضای ائتلاف غالب بدون دستیابی جامعه به مراحل آستانه‌ای یعنی ۱- نظام‌های دسترسی محدود دامنه روابطی را که در آن‌ها حاکمیت قانون به‌طور مؤثری حفظ شده است را افزایش می‌دهند، ۲- تعداد بیشتری از سازمان‌های دارای ظرفیت خشونت را به روابطی وارد می‌سازند که به نحو موفقیت‌آمیزی از خشونت بالفعل می‌کاهند و ۳- امکان مبادله غیر شخصی میان نخبگان قدرت پدید آید، تنها منجر به خشونت و از میان رفتن نظم مستقر خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد بر مبنای نظریه نظم‌های اجتماعی نورث، والیس و وینگاست، به مسئله خصوصی‌سازی در ایران و دلایل انحراف آن از اهداف اصلی یعنی انتقال اموال

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۵

دولتی به بخش خصوصی پرداخته شود.

۱. پس از وقوع انقلاب، شکل‌گیری تهدیدهای خارجی و داخلی و وجود خشونت، ائتلاف غالب به سمت محدود کردن دسترسی حرکت کرد. خصوصی‌سازی که از ابتدای دهه ۷۰ آغاز شد براساس نظریه نورث و همکارانش مصداق به‌کارگیری نهادهای متعلق به نظم دسترسی باز در نظم دسترسی محدود بود که منجر به نتایج قابل انتظار نگردید. خصوصی‌سازی نیز از جمله برنامه‌های توسعه‌ای است که در کشورهای توسعه‌یافته به رشد بخش خصوصی مستقل و خلاق منجر شده است اما اجرای آن در کشوری که در آن نظم دسترسی محدود برقرار است و ائتلاف غالب برای حفظ نظم و جلوگیری از خشونت (شکل‌گیری جریانی قدرتمند در خارج از ائتلاف، غیر قابل پیش‌بینی شدن رفتار اعضای ائتلاف و یا جنگ داخلی)، دسترسی اقتصادی را محدود کرده و تنها به حمایت از بخش‌های وابسته به خود می‌پردازد تنها منجر به رشد بخش وابسته به ائتلاف خواهد شد که در ایران بخش خصوصی یا شبه‌دولتی نامیده می‌شود؛ بنابراین به‌صورت غیر قابل اجتناب، شاهد دست‌یافتن شرکت‌های وابسته به ائتلاف به سهام شرکت‌های خصوصی‌سازی شده خواهیم بود. امری که به‌صورت کم و زیاد در تمامی دولت‌ها دنبال شد و در تمامی مراحل و ادوار خصوصی‌سازی در ایران، محدود کردن دسترسی وجود داشته است.

۲. براساس نظریه خشونت و نظم اجتماعی موضوع اصلی توسعه ایجاد اصلاحاتی درون چارچوب نظام دسترسی محدود است؛ بنابراین باید به شرایط ویژه هر جامعه توجه و موضوع رشد درون نظام دسترسی محدود دنبال گردد. در نظم دسترسی محدود پایه که ایران در آن قرار دارد رشد و اصلاح مورد نیاز جامعه برای توسعه نه حرکت یک‌باره به سمت نظم دسترسی باز و حذف رانت، بلکه امکان حمایت ائتلاف از بخش خصوصی غیر وابسته است زیرا این امر منجر به گذار به نظم دسترسی محدود بالغ خواهد شد. مسئله اول توسعه بر حرکت نظام دسترسی محدود از شکننده به پایه و از پایه به بالغ و از بالغ به شرایط آستانه‌ای ورود است. تلاش برای از قلم‌انداختن این گام‌ها و به‌جای آن تمرکز بر گذار از یک نظم دسترسی محدود به یک نظام دسترسی باز بیشتر می‌تواند به شکست و

وقوع خشونت منجر گردد.

۳. پس از انقلاب ایران همواره شرایط خاصی از منظر تهدیدات خارجی و تحریم داشته است بنابراین می‌توان گفت یکی از مواردی که باید در نظم دسترسی محدود و تأثیر آن در محدودتر شدن دسترسی و نیاز ائتلاف به حمایت گسترده از اعضای خود به آن توجه شود نقش عوامل تهدیدکننده درون‌زا و برون‌زا است. عاملی که از همان ابتدای پیروزی انقلاب وضعیت اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داده و آن را نیازمند بهره‌گیری از توان‌بخش‌های مختلف ائتلاف برای حل مشکلات اقتصادی کرده است.

منابع

- ابلاغیه رهبر معظم انقلاب درباره سیاست‌های کلی بند چ اصل چهارم و چهار قانون اساسی، ۱۰/۴/۸۵ پوری حسینی، عبدالله؛ میر علی‌اشرف. «چرا بیشتر مزایده‌های خصوصی‌سازی شکست می‌خورد؟»، *دنیای اقتصاد*، ۱۱/۱۰/۹۶.
- حاتمی، عباس. (۱۳۸۷)، «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب: تأثیر سیاست‌های بازتوزیعی بر جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت غیر یکپارچه در ایران»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۸ (۲)، ۱۱۷-۸۹.
- رجبی‌نژاد، مهسا (۱۳۹۸). «وضعیت ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت سال ۲۰۱۹». *معاونت بررسی‌های اقتصادی*.
- رمضانی باصری، عباس و میرفردی، اصغر (۱۳۹۳). «تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه»، *مجله اقتصادی*، ۱۴ (۳ و ۴)، ۱۲۱-۱۳۸.
- رثوفی، حمیدرضا (۱۳۸۷). «اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی»، *فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق*، ۶ (۲۴).
- رنانی، محسن (۱۳۹۵). «نظم شکن در شکن»، *فصلنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی*، ۱۱ (۴۰).
- رنانی، محسن؛ صمدی، علی حسین و دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۹۰)، «تأثیر حفاظت از حقوق مالکیت بر رشد اقتصادی ایران»، *مجله علمی پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۳ (۶)، ۳۳-۶۰.
- روزنامه ایران، گفتگو با رئیس سازمان خصوصی‌سازی «۹۸ درصد واگذاری‌ها در دولت احمدی‌نژاد انجام شد»، ۲۶/۶/۹۱. شماره ۵۱۷۶
- زمانی، رضا. (۱۳۹۲)، *مطالعه فرایند توسعه اقتصادی ایران طی یک صد سال اخیر با استفاده از رهیافت*

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی‌سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس‌الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۷

نظم اجتماعی نورث، والیس و وینگاست، رساله جهت اخذ مدرک دکتری، تهران: گروه اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.

زمانی، رضا (۱۳۹۸). «تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا انقلاب (۱۳۵۷)»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۹ (۳)، ۷۵-۱۱۸.

عباسی، بیژن و امیری، مینا. (۱۳۹۵). «نقش نهادهای عمومی غیر دولتی در خصوصی‌سازی ایران و آثار آن»، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه. سال بیست و یکم. شماره ۳. صص ۳۳-۴۸

گروه کارشناسان وزارت اقتصاد و دارایی (۱۳۸۳)، ربع قرن نشیب و فراز: بررسی تحولات اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۸۲، تهران: پایگان.

گزارش عملکرد (۱۳۸۰). سازمان خصوصی‌سازی، شماره ۱.

گزارش عملکرد (۱۳۸۴)، سازمان خصوصی‌سازی، معاونت مطالعات و ارزیابی

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص روند خصوصی‌سازی. (۱۳۸۸)، گذر از اقتصاد دولتی به شبه‌دولتی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

مالجو، محمد. (۱۳۸۱)، «اعتراض جامعه مدنی به‌مثابه بدیلی برای سیاست خصوصی‌سازی در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲ (۶)، ۱۳-۲۷.

مؤتقی، احمد (۱۳۸۵)، «اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۷۱)، ۳۱۱-۳۵۳.

مؤمنی، فرشاد و حاجی‌نوروزی، شیما (۱۳۹۶). «اقتصاد سیاسی خصوصی‌سازی همراه با فساد». فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۷ (۶۷)، ۲۲۱-۲۵۲.

میدری، احمد (۱۳۸۹)، «شرایط سیاسی و ساختار مالکیت در سه دهه اخیر در ایران»، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۵۴

نورث، داگلاس؛ والیس جان جوزف و وینگاست، باری (۲۰۰۶)، «چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری»، ترجمه جعفر خیرخواهان، اقتصاد سیاسی. ۱ (۳)،

نورث داگلاس؛ والیس، جان جوزف و وینگاست، باری (۱۳۹۵)، در سایه خشونت (سیاست، اقتصاد و توسعه)، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، چاپ اول، تهران: روزنه.

نورث داگلاس؛ والیس، جان جوزف و وینگاست، باری (۱۳۹۶)، خشونت و نظم‌های اجتماعی، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده. چاپ اول، تهران: روزنه.

References

- Abbasi B, Akbari M. "The Role and Impacts of Non-governmental Institution in Privatization in Iran". JPBUD. 2016; 21 (3) :23-48. (In Persian).
- Abdollahpouri Hosseini Mir Ali Ashraf, (11/10/1396) (In Persian). "Why do most privatization auctions fail?", *The World of Economy Magazine*
- Clark, j. (1992) "Democratizing development: NGO and the state", *development in practice*, pp 151-162.
- Dollar, David. "Globalization, Poverty, and Inequality since 1980," *World Bank*.
- Fischer. Pius (2004), "*Rent-Seeking, institutions reforms in Africa*", PHD thesis university Konstanz Germany.
- Hatami. Abaas. (2008), "The State and Economy in Post Revolutionary Iran: The Impact of Redistributive, Economic Policies The Emergence of The non Monolithic State". *Political Quarterly*, 38(2 Volume 38, Issue 2 - Serial Number 1000272, September 200. (In Persian). info.worldbank.org
- International Prevention Research Institute (<https://i-pri.org>)
- International Prevention Research Institute (<https://i-pri.org>)
- International Prevention Research Institute (<https://i-pri.org>)
- Lambsdorf, Johan Graf (2007), "*The Institutional Economics of Corruption and Reform*", Cambridge University Press.
- Maljoo M. "Civil Protest as an Alternative for Privatization in Iran". *refahj*. 2003; 2 (6) :13-26 (In Persian).
- Mo, Jongryn and Barry Weingast, (2012). "Political Economy of Korea's Transition", 2008.
- Momeni, F., Hajinorozi S. (2017). "Political Economy of Privatization with Corruption". *Economics Research*, 17(67), 221-252. doi: 10.22054/joer.2018.8568. (In Persian).
- Movasaghi. ahmad, (2006), "Political Economy of Iran, in The Islamic Republic". *Law & Political science*, Volume 71, Issue 0, April 2006 (In Persian).
- North. Douglas, John Joseph Wallis, and Barry Wingest (2006). "A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History." Translated by Jafar Khairkhahan, *political economy*. first year. Number three. (In Persian).
- North. Douglas, Wallis and Wingest. (2015). "*In the shadow of violence (politics, economy and development)*". Translated by Mohsen Mirdamadi and Mohammad Hossein Naimipour, Tehran, Rozeneh Publications. (In Persian).
- North. Douglas., Wallis and Wingest . (2016). "*Violence and social orders*". Translated by Jafar Khairkhahan and Reza Majidzadeh. First edition. Tehran, Rozeneh Publications. (In Persian).
- Parker, D. (2012), "The Official History of Privatization". Vol. II: *Popular Capitalism*, 1987-97. New York: Routledge
- Rajabi nejad. Mahsa (1398). "Iran" s status in International Property Rights" Index 2019. (In Persian).
- Ramzani Basri Abbas and Asghar Mirfardi. (2013). "Explaining institutionalism and its tendency towards development". *Economic magazine*, 14th year. No. 3 and 4. (In Persian).
- Raofi, Hamidreza. (1387). "Economy of Iran during the imposed war", *Iran-Iraq War Studies*

اقتصاد سیاسی رانت و خصوصی سازی در... (حدیث مرادی، سید شمس الدین صادقی و مسعود اخوان کاظمی) ۳۱۹

Quarterly, Year 6, Number 24

Renani, Mohsen. (2016). "Disrupting order in violation" *Cultural, Economic, Social Quarterly*, Year 11, Number 40. (In Persian).

Renani, Mohsen, Ali Hussein Samadi and Rahim Esfahani "Property Rights and Economic Growth: A Case of Islamic Republic of Iran", *The Journal of Economic Policy*, Volume 3, Issue 6 - Serial Number 6, September 2010, Pages 33-60. (In Persian).

Starr, P. (1998). "The Meaning of Privatization", *Law and Policy Review*, 6(1), 6-41. Observer The advice of the Supreme Leader of the Revolution about the general policies Article 44 of the Constitution, 10 / 4 / 85. (In Persian).

The Worldwide Governance Indicators (WGI) project reports index, World Bank Group,

Wahhabi, Mehrdad. (2014). " Sepah's position in Iran's economy " *Mihan magazine*, Tuesday, January 1, 2015, December 22, 2015, new issue, number 6. (In Persian).

World Justice Project Rule of Law Index WJP Rule of Law Index, <https://worldjusticeproject.org>

Yavari, Kazem and Mohseni Reza. (2009). "Effects of commercial and financial sanctions on Iran's economy: a historical analysis" *Majles and Research*, year 16, number 61 (pp. 10-53). (In Persian).

Zamani, Reza. (2012). "*The study of Iran's economic development process during the last one hundred years using the social order approach of North, Wallis and Wingest*". Dissertation for obtaining a PhD degree, Tehran: Department of Economics, Allameh Tabatabai University. (In Persian).





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی